

گرامی باد ۸ مارس روز جهانی زن!

آنها از رهبران جنبش آزادی زن و از فعالین این حزب هستند!
صفی از رهبران خوشنام و سرشناس



که در اقصی نقاط جهان به خیابان رفته و یا در
کنفرانسها سخنرانی کرده و صدای دادخواهی زنان در
ایران و کشورهای اسلام زده را منعکس میکنند.
صفحه ۴

فریده آرمان، مریم نمازی، مهین علیپور، فرشته
مرادی، افسانه وحدت، نازنین برومند، مینا احدی،
سوسن صابری، شهاب دانشور، شیوا محبویی، شیرین
شمس و دهها چهره دیگر حزب کمونیست کارگری ایران

زنان در صف اول تلاش بشریت امروز برای رهایی گرامی باد روز جهانی زن!

صفحه ۲

جلوه شورانگیزی از همبستگی!

اصغر کریمی

صفحه ۳

ده اسفند نقطه عطفی در مبارزات معلمان و مردم

شهاب دانشفر

صفحه ۵

به سربازی "اجباری" نباید رفت!

بهروز مهرآبادی

صفحه ۸

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۹۸

جمعه ۱۵ اسفند ۱۳۹۳، ۶ مارس ۲۰۱۵

یادداشت‌های هفته

ممیر تقوایی

بیعدالتی جنسیتی در ایران
"تدبیر و امید" بردار نیست!

هویت مشترک دولت اسرائیل و جمهوری
اسلامی

معلمان علیه فقر و علیه فرق!

صفحه ۶

در حاشیه سخنرانی نتیناهو در کنگره آمریکا

علی جوادی

صفحه ۷

زنده باد همسران کارگران کنتورسازی ایران
نمونه ای قابل توجه برای کل طبقه کارگر

اصغر کریمی

صفحه ۱۲

سحرگاه خونین چهارشنبه ۶ زندانی عقیدتی
در رجایی شهر اعدام شدند!

مینا احدی

صفحه ۱۰

دهها هزار نفر در تجمعات امروز معلمان شرکت
کردند

هم از فقر بیزاریم، هم از فرق!

حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۱۱

زنان در صف اول تلاش بشریت امروز برای رهایی گرامی باد روز جهانی زن!

حضور زنان در صف اول مبارزه برای رهایی علیه جمهوری اسلامی واقعیتی غیر قابل انکار است. در یکسال گذشته اعتراضات زنان و کشمکش علیه حجاب اسلامی، شکست نهی از منکر اوباشان دولتی، بی آبرو کردن رهبران جمهوری اسلامی و گسترش مبارزه علیه اسید پاشی، حضور فعال در دانشگاهها و در صف مقدم مبارزات صنعتی نمونه های بارز این موج قدرتمند است؛ زنان در ایران پشت رژیم اسلامی و مرتجعان را به دیوار چسبانده اند.

در این شرایط است که فعالین حزب کمونیست کارگری ایران در خارج از کشور به استقبال هشت مارس میروند و با شرکت فعال خود در مجموعه برنامه های زیر در کشورهای متفاوت چهره واقعی این جنبش عظیم و امیدبخش را به مردم جهان می نشانانند و جلب حمایت بین المللی برای این جنبش را سازمان میدهند.

ما از همه شما می خواهیم که با شرکت وسیع و همبسته خود در برنامه های منتشره با ما همگام باشید.

هلدن:

ایندهوفن - حق انتخاب و استقلال زنان - برنامه شامل افتتاحیه - خانم نرا جروویک با بیان تاریخچه ۸ مارس برنامه را شروع میکند سپس فرشته مرادی و زهره بابایی، در مورد حق انتخاب و استقلال زنان سخنرانی میکنند و جلسه گفت و شنود صورت میگیرد

آدرس محل مراسم
Gemeenschapshuis
Eindhoven - De Ronde -
Tongelresestraat 14
برای اطلاعات بیشتر میتوانید با زهره بابایی ۰۶۳۳۹۵۳۱۸۷ یا با فرشته مرادی ۰۶۶۶۲۴۲۳۸۶
f_moradi@hotmail.com از کمیته برگزار کننده برنامه در شهر

ایندهوفن هلند تماس بگیرید

ایتالیا:

به ابتکار سازمان روز ندا در ایتالیا، روز جهانی زن امسال با مجموعه برنامه های متنوع توجه ها را به زن ستیزی جریانات اسلامی و حکومت اسلامی ایران و در عین حال مبارزات زنان در این کشورها جلب کند. برگزاری چندین برنامه نمایش فیلم، سخنرانی و بحث در مورد معضلات زنان و مبارزه زنان در کشورهای اسلام زده و همچنین اهدا بورس تحصیلی ندا به دو دانشجوی با حضور طاهر جعفرزاده مسئول کمیته روز ندا و افسانه وحدت، نینا صادقی، والریا پالمبو شامل برنامه های زیر هستند:

ونیس - ۶ مارس نمایش فیلم ز و سخنرانی در مورد جنبش زنان ساعت ۲۰:۴۵ برنامه در سینمایی در ونیز با نمایش فیلم شروع میشود و بعد والریا پالمبو، ژورنالیست و نویسنده در مورد حقوق زنان و ۸ مارس صحبت میکند، افسانه وحدت در مورد حقوق زنان در خاورمیانه و ایران و نینا صادقی شعر خوانی میکند.

ونیس - ۷ مارس نمایش فیلم و سخنرانی افسانه وحدت در مورد جنبش زنان در ایران و خاورمیانه و شعرخوانی نینا صادقی.

فلورانس - ۸ نمایش فیلم "قدرت برای تغییر" در مورد ازدواج کودکان و سخنرانی در این مورد. ۹ مارس حضور در سخنرانی افسانه وحدت در شهرداری فلورانس

فلورانس - ۱۰ مارس مراسم اهدای بورس تحصیلی ندا به دو دانشجوی - نمایش فیلم و اهدای بورس تحصیلی ندا به ۲ دانشجوی که از میان ۲۰ دانشجوی آماده تن انتخاب میشوند و به آنها جایزه داده خواهد شد. سخنران برنامه افسانه وحدت

فلورانس - ۱۱ مارس حضور

در برنامه تلویزیونی ایتالیا - در برنامه مستقیم صبحگاهی تلویزیون ایتالیا - ۲ ساعت برنامه مستقیم در مورد حقوق زنان و پاسخگویی به سوالات بینندگان این برنامه تلویزیونی.

سالگرد روزنامه فمینیست رویر ماریا در ایتالیا ۲۷. ۳۱ مارس مریم نمازی در سه شهر تورینو، جنوا و ایمولا جزو سخنرانان اصلی این کنفرانس سه روزه که به مناسبت سالگرد مجله فمینیست رویو ایتالیای و روز جهانی زن برگزار میشود میباشد. برای اطلاعات بیشتر اینجا رجوع کنید: <http://ex-muslim.org.uk/wp-content/uploads/2014/11/depliant-Manifesto-LaiciteC3%A0.pdf>

آلمان:

کلن - روز ۷ مارس در شهر کلن با نمایش فیلم و سخنرانی از طرف نهاد اکس مسلم برنامه ای در این شهر برگزار میشود. در این برنامه فیلم تظاهرات زنان در ۱۳۵۷ در ایران با زیرنویس آلمانی نشان داده میشود و سپس مینا احدی، فقیه تحقیر زاده و نازنین برومند سخنرانی میکنند. در این برنامه همچنین خبرنگار تلویزیون سراسر "و-د-ار" مارتینا کاست یک فیلم از مبارزات زنان در پاکستان نمایش داده و در مورد این فیلم سخنرانی خواهد کرد.

محل و ساعت این جلسه: ساعت ۱۸ روز شنبه ۷ مارس در بورگر هاوس چولشتوک
Wann: 7.03.2015 18:00 Wo: Köln, Rosenzweigweg 3 Bürgerhaus Zollstock

انگلستان-

لندن - یکشنبه ۸ مارس - به دعوت سازمان ناری دیگانتی - جنبش زنان برای برابری، عدالت اجتماعی و سکولاریسم روز جهانی زن "صدای زنان بنگالی را بشنوم" از ساعت ۵ تا ۹ شب در شرق لندن برنامه ای شامل گروه کر، اجرای موسیقی، نمایش نقاشی، نمایش و

بحث در مورد فیلم "روح آمازون" و سخنرانی مریم نمازی نمازی و گیتا سگال تحت عنوان ضرورت پیشرفت با یک برنامه برای سکولاریسم میباشد.

محل برنامه در شرق لندن
Brady Arts & Community
Centre, 192-196 Hanbury
Street, London, E1 5HU
برای اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۷۷۱۹۱۶۶۷۳۱ مریم نمازی تماس بگیرید.

سوئد:

استکهلم. جمعه ۶ مارس: پانل تحت عنوان: بدن زن، این مرز مقدس؛ پانل با شرکت نسرین اسفندیاری با بحث مقدماتی؛ بدن فردی، بدن جمعی؛ مهین علیپور با بحث مقدماتی؛ مالکیت دولتی بر بدن زن؛ سیامک بهاری با بحث مقدماتی؛ پروسه ابزاری شدن بدن زن؛ و نمایشی توسط گروه تاتر فتنه با عنوان: یک تولد و تفاوتها؛ مکان: مدبوریار، ساختمان سنسوس طبقه چهارم، از ساعت ۶:۳۰ بعدازظهر. برای اطلاعات بیشتر با مهین علیپور ۰۷۰۷۷۷۳۱۳ تماس بگیرید.

استکهلم یکشنبه ۸ مارس شرکت در تظاهرات بزرگ روز جهانی زن ساعت ۳ بعدازظهر از میدان سودرمالم بصورت راهپیمایی بطرف میدان مدبوریار. برای اطلاعات بیشتر با مهین علیپور ۰۷۰۷۷۷۳۱۳ تماس بگیرید.

استکهلم. جمعه ۱۳ مارس - قهرمانان دنیای امروز، چرا و چگونه؟ در رابطه با انتخاب مهین علیپور بعنوان قهرمان روز سوئد. مکان: مدبوریار، ساختمان سنسوس طبقه چهارم، از ساعت ۶:۳۰ بعدازظهر. برای اطلاعات بیشتر با مهین علیپور ۰۷۰۷۷۷۳۱۳ تماس بگیرید.

استکهلم. سه شنبه ۱۵ مارس - رفتن به استودیوم ورزشی در استکهلم و اعتراض به ممنوعیت ورود زنان به استودیومهای ورزشی در ایران - مکان: مدبوریار، ساختمان سنسوس طبقه چهارم، از ساعت ۶:۳۰ بعدازظهر - برای اطلاعات بیشتر با مهین علیپور ۰۷۰۷۷۷۳۱۳ تماس بگیرید.

استکهلم - جمعه ۲۷ مارس جشن زن روز با شادی نوروز - رقص، دی جی و موسیقی زنده. مکان: مدبوریار، ساختمان سنسوس طبقه چهارم، از ساعت ۶:۳۰ بعدازظهر. برای اطلاعات بیشتر با مهین علیپور ۰۷۰۷۷۷۳۱۳ تماس بگیرید.

گوتنبرگ - تظاهرات و راهپیمایی روز ۸ مارس در گوتنبرگ به فراخوان کمیته ۸ مارس متشکل از دهها حزب سیاسی و سازمان مدافع حقوق زنان. تجمع ساعت ۳:۱۴ در یوتاپاتسن و سپس راهپیمایی بطرف میدان گوستاواؤلف. برای اطلاعات بیشتر با تلفن ۰۷۰۸۵۴۴۵۲۹ تماس بگیرید.

نروژ:

اسلو - حضور در راهپیمایی بزرگ هشت مارس به دعوت سازمانهای مدافع حقوق زن در این کشور و راهپیمایی بطرف پارلمان. به دعوت کمیته ۸ مارس بعد از راه پیمایی برنامه جشن روز جهانی زن در Antisistiskenter, Storgata 25, 0184 Oslo برگزار میشود.

کانادا:

ونکوور - شنبه ۷ مارس - به دعوت سازمان دفاع از حقوق زنان در ایران (علیه تبعیض) و حزب کمونیست کارگری برنامه ای شامل خوش آمدگونی و جشن در کامیونیتی سنتر استراتکونا شماره ۶۰۱ خیابان کی فر برگزار میشود. Strathcona Community Centre in Vancouver, British Columbia
برای اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۴۷۲۷۸۹۸۶ تماس بگیرید.

تورنتو - راهپیمایی روز جهانی زن روز ۷ مارس - گردهمایی اوسی ادوتوروم از ساعت ۱۱، شروع راهپیمایی ساعت ۱ بعدازظهر 252 Bloor Street West, Toronto. برای اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸ تماس بگیرید.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران
مارس ۲۰۱۵

جلوه شورانگیزی از همبستگی!

اصغر کریمی



از یکدیگر حمایت کنند. از نوشتن طومارهای حمایتی از یک مبارزه تا تلاش برای منعکس کردن این مبارزات در مدیای اجتماعی و هر شکل ممکن دیگر، از دادن پیام های همبستگی تا اعتصاب حمایتی هر جا و هر زمان که امکانپذیر است، از ایجاد کمیته ها و کانون های همبستگی با مبارزات و بویژه شرکت در تجمعات اعتراضی و دهها شکل دیگر میتوان مبارزات جاری را تقویت کرد. زندانیان سیاسی در سالهای گذشته الگوی خوب و در عین حال شجاعانه ای در حمایت از اعتراضات مختلف و علیه جنایات مختلف حکومت از خود نشان داده اند.

اکثریت مردم ایران همسروشتی عمیقی با هم دارند. دشمن مشترک و خواست های مشترکی دارند. در زمینه مسائل اقتصادی تا سیاسی و اجتماعی و فرهنگی، در زمینه آلودگی هوا و محیط زیست تا سیستم قضائی، در زمینه آزادی های سیاسی و هزار مساله دیگر و در یک کلام در سرنوشت جمهوری اسلامی و ساختن جامعه ای انسانی هم سرنوشت هستند. این همسروشتی را همین امروز باید در همه مبارزات نشان داد، هر مبارزه ای را مال خود دانست و به آن کمک کرد.

بافق در شهر هم زمان با اعتصاب کارگران معدن نمونه درخشانی از همراهی با مبارزات کارگران اعتصابی بود و نقش مهمی در تداوم اعتصاب و تقویت روحیه کارگران اعتصابی، رسانه ای شدن آن، چند برابر شدن فشار به حکومت و شکل گیری همبستگی در سطح شهر بافق داشت. در واقع تحصن خانواده ها در مرکز شهر به پل ارتباطی میان مردم شهر و کارگران معدن تبدیل شد و حکومت مجبور شد ظرف چندروز کارگران دستگیر شده را آزاد کند. نمونه دیگر حضور همسران کارگران کنتورسازی شهر البرز در استان قزوین در تجمع اعتراضی کارگران در کارخانه در روز ۱۳ اسفند بود و کارفرما همان روز دو ماه حقوق معوقه را به حساب کارگران واریز کرد. حضور افشار مختلف مردم در تجمعات معلمان نیز هم به رادیکال تر شدن حرکت و شور و شوق مبارزاتی بیشتر تبدیل گردید.

هیچ مبارزه ای نباید تنها بماند ۱۰ اسفند نقطه عطفی در تحکیم همبستگی بود. باید همه فعالین و رهبران اعتراضات علیه استعمار و نابرابری و ظلم و بیحقوقی، تلاش کنند که هیچ مبارزه ای تنها نماند. معلمان باید از کارگران و کارگران از پرستاران و پرستاران از دانشجویان و همه آنها

یک وجه پر شور تجمعات دهها هزار نفره معلمان در روز ۱۰ اسفند که در دهها شهر کشور برگزار شد، حضور فعالین کارگری، جمعی از کارگران پالایشگاه تهران و برخی مراکز دیگر، دانشجویان، پرستاران، بازنشستگان و محصلین برخی مدارس در این تجمعات بود. اینها آمده بودند که همبستگی خود را با معلمان اعلام کنند. شاید ابعاد این همبستگی گسترده نباشد اما این یک اتفاق مهم است و روندی است که آغاز شده و باید تلاش کرد تا هرچه بیشتر گسترده شود.

هر تجمع و اعتصاب و اعتراضی باید با حمایت سایر گروههای مردم بلاکشیده و ستمدیده روبرو شود. برای این باید تلاش کرد. باید همه دلسوزان جنبش های حق طلبانه تلاش کنند، قانع نکنند، برای حمایت از هر اعتراضی راه مناسب را پیدا کنند و سازماندهی کنند.

همبستگی، هم بلافاصله به تقویت اعتراضات جاری منجر میشود و هم راه اعتصابات و اعتراضات سراسری را برای تعرضات قدرتمند علیه حکومت فراهم میکند و نهایتا اتحاد سراسری مردم است که در شکل یک انقلاب قدرت حکومت را در هم میشکند. تحصن همسران و اعضای خانواده های کارگران معدن

جنبش کارگری برای افزایش دستمزد. نیمی از جامعه را از هر نوع حقی، از حقوق اقتصادی مانند حق بیمه و بازنشستگی و حق کار و یا دستمزد برابر تا حقوق اجتماعی مانند حق برابر در امر ازدواج و طلاق و سرپرستی کودکان و غیره محروم کرده اند تا عملا نیمی از جامعه را از حضور فعال در اعتراضات حول دستمزد و بیمه و بازنشستگی و خیلی مسائل دیگر مانع شوند و با اینکار کل جامعه را در فقر و محرومیت و عقب ماندگی نگهدارند. در زمینه دستمزد نیز بویژه در همین هفته های گذشته پرستاران، معلمان و کارگران ایران خودرو و مراکز مختلف کارگری حول افزایش دستمزد پا به میدان مبارزه گذاشته و مبارزه در این عرصه از همیشه گسترده تر است.

اعلام همبستگی با خواست ها و مبارزات بخش های مختلف جامعه و افشاکاری علیه دسیسه های طبقه حاکم برای پراکنده کردن مردم و مبارزات و خواست های آنها یک رکن مهم مبارزه برای تقویت اعتراضات است. تشکل های کارگری، تشکل های سراسری و محلی معلمان یا پرستاران، دانشجویان دانشگاههای مختلف، جمع ها و نهادهای مختلف مربوط به زنان میتوانند نقش ویژه ای در از بین بردن شکاف ها و دامن زدن به جنبش همبستگی ایفا کنند.

تجمع ۱۰ اسفند قدم عملی بزرگی در جهت نفی این جدائی ها بود و جا دارد صمیمانه از همه کسانی که این تجمعات را سازمان دادند و از همه فعالینی که در ایجاد این همبستگی نقش آفریدند عمیقا قدردانی کرد. *

حکومت بیشترین تلاش را میکند که مردم را از هم جدا کند، مبارزه هر بخش را به مبارزه ای محدود به تعدادی معین و مبارزه ای مربوط به یک صنف خاص تبدیل کند تا هم راحت تر سرکوب کند یا بیجواب بگذارد و هم جلو اتحاد و همبستگی های بزرگتر میان مردم را بگیرد. مبارزه برای افزایش دستمزد یکی از این موارد است. کارگر و معلم و پرستار و بخش عظیمی از کارمندان حقوقشان زیر خط فقر است و افزایش دستمزد خواست مشترک همه آنها است اما حکومت تصمیم درمورد دستمزد هر بخش را به ارگان های مختلفی سپرده است تا هر کدام را به ارگانهای مختلف ارجاع دهد و مبارزه آنها را پراکنده کند. در درون هر کدام از این بخش ها نیز انواع شکاف ها را ایجاد کرده است تا تفرقه را دامن بزند و مانع اتحاد آنها شود. در شرکت نفت اسم بخشی از کارگران را کارمند نامگذاری کرده و در ایران خودرو کارگر بخش تولید و غیر تولید و در میان معلمان و پرستاران یا بازنشستگان انواع و اقسام دسته بندی ها را ایجاد کرده است تا با ایجاد شکاف و حتی بعضا خصومت میان آنها مانع یکپارچگی آنها شود. فعالین و پیشروان این بخش ها باید این موانع را خنثی کنند، علیه هر نوع مانع ذهنی و عملی میان همکاران خود مبارزه کنند و یکپارچگی را تقویت کنند. امروز بویژه باید بر همبستگی در دو عرصه مهم مبارزاتی تاکید ویژه ای گذاشت: دفاع از حقوق زنان و همبستگی با جنبش رهائی زن که یک رکن مهم مبارزه علیه حکومت و بنیادهای آن است و دفاع از

کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان امروز دست به تجمع زدند



کارگران بازنشسته ذوب آهن در سالهای اخیر بطور مداوم دست به تجمعات اعتراضی زده اند تا حقوق معوقه خود را دریافت کنند و هر بار با تجمع خود موفق شده اند یکی دو ماه حقوق معوقه را از حلقوم مقامات بیرون بکشند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۰ اسفند ۱۳۹۳، ۱ مارس

طبق خبری که به ما رسیده است امروز ۱۰ اسفندماه همزمان با تظاهرات بزرگ معلمان در سراسر کشور، کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان نیز دست به تجمع اعتراضی زدند. این تجمع که در خیابان نشاط این شهر برگزار شد در اعتراض به دو ماه تعویق حقوق و عیدی سال بود.

هشت مارس روز همه ماست!

اعلام کنیم که ما برای عقاید و جنبشهای متعفنی که توهین و تحقیر زنان اصولشان است احترام قائل نیستیم. جای این سنتها در زیاله دان است. امروز برای هیچکس مشکل نیست که بفهمد زن و مرد با هم برابرند. مگر اینکه سودی از نفهمیدن عایدش شود. ما مردم با دفاع از برابری کامل زن و مرد در تمام شئون اجتماعی به همه این جنبشها و سنتهای ضد انسانی قاطعانه نه میگوییم.

زنده باد هشت مارس زن
باد آزادی و برابری
حزب کمونیست کارگری ایران

در هشت مارس روز جهانی زن همه جا به حرکت درآییم، جشن بگیریم، در مدرسه و دانشگاه و کارخانه و بیمارستان و در همه جا از برابری کامل زن و مرد دفاع کنیم. روز جهانی زن روز بشریت مدرن و امروزی در برابر واپس ماندگی و عقبگرد و توحش است. این روز، روز همه انسانهایی است که میخواهند جامعه انسانی را از دوران توحش برای همیشه جدا کنند. در روز هشت مارس زن و مرد، معلم و پرستار و کارگر و معلم و دانشجو به حرکت در آییم، فریاد بزنیم، از حقوق انسانی مان، از حقوق کودکانمان، از حق تحصیل دخترانمان، از شادی و بازی و اشتغال و احترام و امنیت و آزادی برای همه هم نوعانمان دفاع کنیم.

خود نه گفته و خواهان برابری مطلق و آزادی و رفاه هستند.

زنده باد هشت مارس روز جهانی زن
زنده باد جنبش برابری طلبانه زنان
زنده باد رهبران آزاده و شجاع زنان در ایران و در سراسر جهان
لینک برنامه ها به مناسبت ۸ مارس :
<https://rowzane.com/announcements/article=26805>

در هر جا که پا گذاشته اند در هر کشوری که زندگی کرده اند، در هر کنفرانس و یا برنامه تلویزیونی و در هر رسانه ای که حضور یافته اند، صدای شما زنان آزاده ایران، زنان مدرن، حق طلب و انساندوست را نمایندگی کرده اند، با صدای بلند علیه حجاب اسلامی حرف زده و در هر سنگری علیه نسبیت فرهنگی جنگیده اند، اینها چهره های محبوب در کشورهای خود و یا در سطح بین المللی هستند چرا که بی قید و شرط از آزادی زنان دفاع کرده و شما زنان ایران را با تمام وجود نمایندگی کرده اند. امسال هشت مارس روز جهانی زن این چهره ها در سراسر جهان صدای دادخواهی و مبارزه جانانه و شجاعانه شما علیه جمهوری اسلامی را در دنیا منعکس خواهند کرد.

به استقبال هشت مارس میرویم و صدای زنانی را منعکس میکنیم که به دخالت اسلام و مذهب در زندگی

دعوت به مراسم هشت مارس در شهر کلن در آلمان

سخنرانی، نمایش فیلم، موزیک لایو و گفتگو در شهر کلن
هفت مارس از ساعت شش بعد از ظهر



سخنرانان:

نازنین برومند : فعال حقوق زن

فتحیه نقیب زاده: فیلمساز و فعال حقوق زن

مارتینا کاست: ژورنالیست و فعال حقوق زن

مینا احدی: فعال حقوق زن

فیلم تظاهراتهای زنان در هشت مارس ۱۳۵۷ با زیر نویس آلمانی، فیلم کوتاهی از زندگی زنان در پاکستان که توسط خبرنگار تلویزیون و.د.ر. مارتینا کاست تهیه شده است.

موزیک لایو - برن گاست

مکان:

Burgerhaus Zollstocken, Rosenzweigweg 3, 50969 Köln

زمان: شنبه ۷ مارس ساعت ۱۸

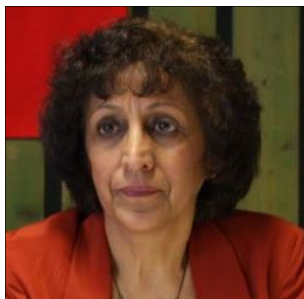
تلفن تماس: 01778997841

نهاد اکس مسلم / آلمان

حقوق زن جهانشمول است

ده اسفند نقطه عطفی در مبارزات معلمان و مردم

شهلا دانشفر



شهر برپا شد که تنها عکس ها و گزارشات نیمی از آن رسانه ای شد. اعتراضات معلمان بطور واقعی تاثیر مهمی در تغییر توازن قوای سیاسی جامعه خواهد گذاشت. دنبال این حرکت بزرگ اعتراضی امروز گفتمان ها اینست که همانطور که معلمان هزاران نفره بیرون آمدند و خواستهایشان را طلب کردند، ما بیکاران، ما کارگران، ما پرستاران، ما بازنشستگان و ما مردم بی تامين ميتوانيم به خياليان بيابيم و حق و حقوقمان را طلب كنيم. اعتراضات معلمان حکایت از فضای سیاسی پر جنب و جوشی در جامعه دارد که نوید بخش اعتصابات سراسری کارگری است.

خواستهای معلمان کدامست معلمان به حقوق های چند بار زیر خط فقر خود معترضند و در قدم اول خواستار پر شدن فاصله خط فقر با حقوقهایشان هستند. معلمان خواستار کاهش فشار کاری در مدارس هستند و از جمله ميگویند که حداکثر تعداد دانش آموزان در کلاسهای درسی باید ۲۵ نفر باشد تا هم استاندارد آموزش بالا رود و هم معلمان حق التدریسی که سالهاست با کمترین حقوق به کار تدریس اشتغال دارند، به استخدام آموزش و پرورش در بیایند. معلمان خواستهای چون ایجاد تسهیلات برای تامین مسکن و بیمه درمانی دارند. معلمان خواستار برداشتن هر گونه سانسور و خفقان از محیط های آموزشی و آزادی معلمان زندانی هستند. این یکی از شعارهای معلمان در اعتراضات ده اسفند بود "معلم زندانی آزاد باید گردد، زندانی سیاسی آزاد باید گردد بود". در همین تظاهرات تعدادی در تهران و کردستان و خوزستان دستگیر شدند که یک خواست معلمان آزادی فوری این دستگیر شدگان است و در همین فاصله هشت نفر از دستگیر شدگان تهران آزاد شده اند. خلاصه کلام

اعتراضات هزاران نفره معلمان در ده اسفند سرفصل جدیدی در مبارزات آنان و کل جامعه بود. این تجمع در حالی صورت گرفت که قبل از آن کارگران، پرستاران و بازنشستگان با خواست افزایش حقوقها به اعتراض برخاستند. این مبارزات را خواست مشترك افزایش دستمزدها به هم پیوند میداد و ابعاد اجتماعی اعتراض میلیونها کارگر، معلم، پرستار علیه فقر و گرانی و دستمزدهای زیر خط فقر را بیان میکرد. این را در پلاکاردی که معلمان بدست گرفته بودند و در آن نوشته شده بود: "خط فقر سه میلیون و پانصد هزار، حقوق معلم يك ميليون"، در بند بیانییه ۶ تشکل کارگری بر سر خواست افزایش دستمزدها، در شعار اعتراضی کارگرانی که در ۵ اسفند مقابل مجلس تجمع کردند و يك خواست مهم آنان پر شدن فاصله خط فقر و دستمزد کارگران و نیز در طومار اعتراضی بازنشستگان، با همین مضمون ميتوان دید. این خواست در پیامهای همبستگی از مبارزات معلمان از سوی کارگران و نهادهایی اجتماعی چون کانون نویسندگان و در پیوستن جمع هایی از کارگران، پرستاران، دانشجویان با پلاکاردهایی که همبستگی شان را با معلمان اعلام میداشت، وجود دارد. و این مجموعه حکایت از ابعاد اجتماعی این اعتراضات و جلو آمدن موجی از مبارزه بر سر زندگی و معیشت دارد.

اعتراضات معلمان در ده اسفند پرشور و گسترده بود و به سهم خود به آنان تبریک ميگویم و دست معلمان معترضی را که در پیشاپیش این مبارزات قرار داشتند را بگرمی میفشارم. مبارزات معلمان در ده اسفند و ابعاد گسترده و سراسری آن بطور واقعی به نقطه امیددی در دل مردم تبدیل شده است. بنا به گزارشی گفته میشود این اعتراضات در ۵۶

"هفت برنامه" است و از شهریور ماه مورد بحث است و الان که سیمیه معلمان پر زور شده قرار است دوباره به بحث درآید. اما حاصلش چیزی جز دنبال نخود سیاه فرستادن معلمان و تلاش برای منحرف کردن آنان از خواست اصلی افزایش مستقیم سطح حقوقها نیست.

جالب اینجاست که فانی در پاسخ به سوال خبرنگار ایلنا و اینکه گویا مدیران آموزش و پرورش بیشتر "سیاسی" هستند، میگوید: "همه انتصابات که در آموزش و پرورش انجام می شود با استعلام وزارت اطلاعات از طریق حراست آموزش و پرورش صورت گرفته و من این ادعا را که آموزش و پرورش سیاسی شده را رد می کنم چرا که ما با استعلامات وزارت اطلاعات انتصابات خود را انجام می دهیم."

این گفته فانی و انتصاب مدیران آنها با فیلتر حراست، یکی از موضوعات اعتراض معلمان است. و نفس این گفتگو بیش از هر چیز نشانگر ابعاد سیاسی مبارزات معلمان و وحشت حکومت از ابعاد اجتماعی مبارزات آنانست.

نقطه قدرت ها

يك نقطه قدرت اعتراضات معلمان ابعاد سراسری آنست که برای کل جامعه يك الگو است. معلمان بارها و بارها در اعتراضاتشان الگوی خوبی از اعتصابات و تجمعات اعتراضی سراسری بدست داده اند. تفاوت امروز اینجاست که ابزار مدیای اجتماعی ابعاد گسترده تری به امر سازمانیابی اعتراضات سراسری آنان داده است. باید از اعتراضات معلمان آموخت.

معلمان ابتدا در دوم اسفند دست به اعتصابات اختطاری زدند و بعد برای ده اسفند فراخوان به تجمع دادند. خواستار اجازه برگزاری تجمع شدند، اما عزمشان برای برپایی این تجمع جزم بود و اعلام کردند که منتظر اجازه نمیشوند و برپایی اجتماعات را حق مسلم خود میدانند و در روز موعود اجتماعات خود را برپا کردند. معلمان از طریق سایت های خبری و شبکه های اجتماعی خود در وایبر و مدیای اجتماعی وسیعترین خبررسانی را کردند. همان چیزی که از آن به عنوان شکل گیری "خودبخودی" اعتراضات سخن میگفتند.

اعتراضاتی که به هیچ وجه خودجوش نبود و معلمان معترض و نسل جوان و پیشرو آن نقش مهمی در اطلاع رسانی و سازمانیابی اش داشتند.

در حرکت اجتماعی معلمان نیز گرایشات سیاسی مختلف را میشد دید. از گرایشاتی که همواره تلاش در محدود نگاهداشتن مبارزات کارگران و معلمان در چهارچوب های قوانین موجود و ممکن های حکومتی حرکت میکنند، تا اعتراضات آنان را تحت کنترل داشته باشد. و نیز گرایشات چپ و رادیکال که بر خواستهای برحق و انسانی معلمان تاکید دارد. يك نمونه اش فراخون کانون صنفی معلمان به تجمع "سکوت" بود. اما معلمان با در دست گرفتن پلاکاردهایی با خواستهای اعتراضی شان و در جاهایی با شعار دادن و شعارهایی چون زندانی سیاسی آزاد باید گردد، "اگر که من نبودم تو پشت میز نبودی"، "معلم فریاد میکنه، رسانه سانسور میکنه" و امثال این شعارها عملاً فریاد اعتراضشان را بلند کردند و به فراخوان سکوت گوش ندادند. یا در آنجایی که چند نفر از معلمان میخواستند با فرستادن صلوات فضای حکومتی را بر فضای اعتراضی حاکم کنند، معلمان تن ندادند و خواستهایشان را پیگیر شدند. به لحاظ خواستها نیز در اعتراضات این دوره معلمان دیگر شعارهای مبهم و ناروشنی چون اجرای نظام هماهنگ حقوق ها و غیره کنار رفته بود و معلمان مستقیماً بر خواست افزایش حقوقها و در قدم اول خواهان پر شدن فاصله خط فقر و سبد هزینه زندگی خود تاکید داشتند. نکته مهم اینجاست که معلمان با هوشیاری تمام و حفظ صف متحد خود توانستند، صدای اعتراضشان را بلند کنند و در ده اسفند ما شاهد يك اعتراض گسترده رادیکال، انسانی و سازمانیافته بودیم. اینها همه پیشروی های معلمان در مبارزاتشان و نقطه قدرتهایش بود. نقطه قوتهایی که ميتواند سکوی پرشی برای تداوم این مبارزات باشد. نقطه قوت هایی که درسهای آموزنده ای برای همه کارگران و مردم معترض جامعه دارد و باید درسهایش را آموخت.*

العمل حکومت

قدرت مبارزات معلمان را در عکس العمل سراسیمه حکومت به روشنی ميتوان دید. يکروز بعد از تجمع اعتراضی معلمان مجلس با دستپاچگی تمام بودجه ای به میزان يك ميليارد تومان بابت پرداخت حقوق اول معلمان پر شدن فاصله خط اولين گام است.

نمونه ديگر از همین دست سخنان علی اصغر فانی وزیر آموزش و پرورش دولت روحانی در رابطه با لایحه رتبه بندی معلمان است. این طرح ظاهراً يك "بسته حمایتی" وزارت آموزش و پرورش و مشتمل

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

بیعدالتی جنسیتی در ایران "تدبیر و امید" بردار نیست!

"مشاهده وضعیت شاخص‌هایی چون میزان تصدی پست‌های مدیریتی از سوی خانم‌ها در مقایسه با آقایان، نرخ بیسوادی، دسترسی به امکانات ورزشی و تفریحی، نرخ بیکاری زنان تحصیل کرده و... نشان می‌دهد که کشور ما با تحقق عدالت جنسیتی فاصله دارد."

وزیر اقتصاد دولت روحانی

جمهوری اسلامی با عدالت جنسیتی فاصله ندارد، ضد آنست! جناب وزیر به شیوه مرضیه دیگر همپالکی هایش در دولت تدبیر و امید خواسته است به نوعی ضدیدت دولت و نظام متبوعه خود با زنان را تحت عنوان فاصله با عدالت جنسیتی تلطیف کند. اما حتی همین لیست نیمه و ناقص نرخ بیکاری و نرخ بیسوادی و دسترسی به امکانات ورزشی و تفریحی که ایشان از محرومیت‌های زنان برشمرده نشان می‌دهد که مساله بسیار حادثر و وخیم تر از فاصله از عدالت جنسیتی است. به این لیست تجاوز به دخترچیه‌ها و فحش‌های رسمی تحت عنوان ازدواج شرعی و صیغه و محرومیت از حق سفر و ازدواج و طلاق به خواست و اراده خود و توهین و تحقیر هر روزه نسبت به زنان از نمازجمعه‌ها و رسانه‌ها و شمشیر حجاب و گشت ارشاد و اسیدپاشی و غیره و غیره را اضافه کنید تا روشن شود که "فاصله با عدالت جنسیتی" توصیف این وضعیت نیست، توجیه آنست.

معلمان علیه فقر و علیه فرق!

یک شعار گویا و رادیکال جمع‌ات اعتراضی ده‌ها هزار نفره معلمان این بود: هم از فقر بیزاریم و هم از فرق!

این شعار در واقع اعلام می‌کند که شرایط سخت معیشتی معلمان و همه کارگران و زحمتکشانی که با حقوق و دستمزدی کمتر از یک سوم خط فقر زندگی می‌کنند ناشی از تبعیض و بیعدالتی اقتصادی و اجتماعی است. ریشه فقر در ایران، نظیر دیگر نظام‌های سرمایه داری، فرق طبقاتی است. جامعه ایران بویژه جامعه فقیری نیست. از منابع غنی طبیعی و نیروی کار جوان و فعالی

برخوردار است اما بخش اعظم ثروت حاصل از منابع طبیعی و ثمره کار و دسترنج کارگران به جیب گشاد آیت الله‌های میلیاردر و سرمایه داران وابسته به آنان سرازیر می‌شود. یک درصدیهای مالیاتی میلیاردر در ایران عمامه به سر دارند و در راس سپاه و بسیج و بیت رهبری و آستان قدس رضوی و دیگر موسسات مافیای اقتصادی نشسته‌اند و پول پارو می‌کنند. اعتراضات معلمان و پرستاران و مبارزات گسترده کارگران برای افزایش دستمزدها بخشی از تعرض جامعه برای بیرون کشیدن حق خود از حلقوم مفت‌خوران حاکم است.

همانطور که یکی از هماهنگ کنندگان طومار ۴۰ هزار امضا برای افزایش مزد در مصاحبه با ایلنا می‌گوید "سه دهه است که مزد واقعی به کارگران داده نشده است. این تنها حرف کارگران نیست. مسئولین دولتی هم بارها و بارها به این نکته اذعان کرده‌اند. اینکه خودشان هم اذعان می‌کنند سهم کارگر داده نشده، پس معلوم است که کارگر کار کرده اما سهمش در جیب دو طرف دیگر معامله یعنی دولت یا کارفرما مانده است و به او داده نشده است."

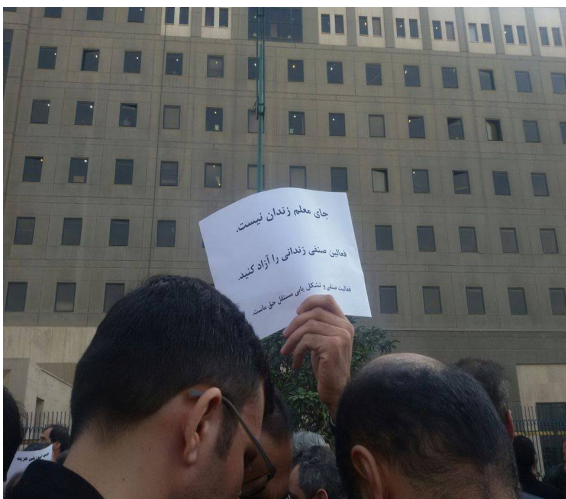
هویت مشترک دولت اسرائیل و جمهوری اسلامی

و احتمال ختم مساله به انرژی هسته‌ای و باز گذاشتن دست جمهوری اسلامی در سیاست‌های منطقه‌ای و حمایت از نیروهای اسلامی را بگیرد. اما این موضعگیریها و کلا سیاستها و تبلیغات ضد جمهوری اسلامی دولت اسرائیل عملاً در خدمت جمهوری اسلامی و موقعیتش در منطقه و در جنبش اسلام سیاسی است. و این خدمت امری دوطرفه است.

ظاهراً جمهوری اسلامی و دولت اسرائیل دشمنان سرسخت یکدیگرند اما موضعگیریها و تبلیغاتشان همیشه به نفع طرف مقابل تمام شده است. جمهوری اسلامی با ادعای حذف اسرائیل از روی نقشه و انکار هولوکاست بهترین شرایط را برای مظلوم نمائی‌های بقول نتانیاهو "تنها ملت و کشور یهود" که گویا صرفاً از موجودیت خود دفاع می‌کند، فراهم می‌آورد و دولت اسرائیل با تاکید بر ضرورت حمله نظامی به ایران، به هر دو جناح جمهوری اسلامی حربه مناسبی برای توجیه سیاستهای ارتجاعیشان می‌دهد. دولت اسرائیل و حکومت جمهوری اسلامی هر دو برای نظام و کشور خود یک هویت و حقانیت مذهبی قائلند و این وجه مشترک اساسی و مبنای ایدئولوژیک و استراتژیک و مواضع و سیاستها ارتجاعی و ضد انسانی هر دو است. *

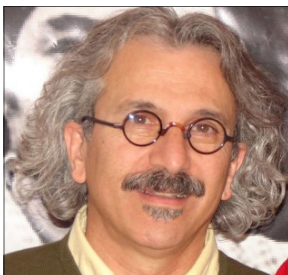
روز سه شنبه گذشته نتانیاهو در سخنرانی جنجالی‌اش در کنگره آمریکا یک بار دیگر مخالفت خود را با مذاکرات هسته‌ای اعلام کرد و گفت توافق با ایران از دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای ممانعت نخواهد کرد. از سوی دیگر رفسنجانی هفته گذشته اظهار داشت "دلواپسان با نتانیاهو هم زبان شده‌اند". اما آنچه نتانیاهو در مورد شرایط "یک توافق خوب" می‌گوید بطور واقعی اسباب دلواپسی نه تنها اصولگرایان بلکه کل حکومت جمهوری اسلامی است. ایشان در بخشی از سخنرانش در کنگره می‌گوید: "پیش از برداشتن تحریمها از ایران، باید اول رویکرد تهاجمی تهران در خاورمیانه محدود شود، دوم از حمایت از تروریسم در اطراف جهان دست بردارد و سوم از تهدید به نابودی اسرائیل، که تنها ملت و کشور یهود است، دست بردارد."

اینها در واقع اهداف سیاسی و استراتژیکی‌ای است که دولت آمریکا و دیگر اعضای گروه ۵+۱ از توافق با جمهوری اسلامی تعقیب می‌کنند. نتانیاهو آنچه که بقیه می‌خواهند از طریق دیپلماسی تدریجی و به مرور متحقق کنند را صریح و عریان بعنوان پیش شرط توافق بیان می‌کند تا از نظر خودش جلوی مانورهای بعدی جمهوری اسلامی



در حاشیه سخنرانی نتنیاهاو در کنگره آمریکا

علی جوادی



جانبه آمریکا شکست خود را نشان داده بود. ضرورتاً باید تاکتیک مناسب تری بمنظور پیشبرد همان اهداف استراتژیک پیگیری میشد. اوایما نماینده این تغییر است. جدال و کشمکش میان دولت فوق ارتجاعی اسرائیل به نمایندگی نتنیاهاو و اوایما ناشی از این تغییرات در سیاست بین المللی آمریکا در دوره جدید است. با این مقدمه به سراغ سخنرانی نتنیاهاو باید رفت.

تزهای نتنیاهاو

بخش مهمی از سخنرانی نتنیاهاو پیرامون ماهیت جنایتکارانه و تروریستی رژیم اسلامی متمرکز شد. از این گوشه آغاز کرد. در مورد مخاطرات تسلیح رژیم اسلامی به سلاح اتمی و تبعات آن در معادلات منطقه و موقعیت اسرائیل صحبت کرد. در آخر به محورهای توافق احتمالی میان کشورهای ۱+۵ و حکومت اسلامی پرداخت و نا کافی بودن مفاد این توافقنامه در جلوگیری از تجهیز اتمی رژیم اسلامی را مورد بحث و نقد قرار داد. به تک تک این موارد بطور فشرده باید پرداخت.

تروریسم اسلامی،

تروریسم دولتی

آنچه نتنیاهاو در مورد تاریخ حکومت آدمکشان اسلامی بیان کرد تنها گوشه ای از حقیقت، گوشه ای از تاریخ پر از جنایت این حکومت است. برای ما قریانیان مستقیم رژیم اسلامی، برای ما کسانی که در ۳۶ سال گذشته بطور همه جانبه ای علیه این حکومت مبارزه کرده ایم و بسیاری از انسانهای شریف و دوست داشتنی در این مبارزه به خاک و خون کشیده شده اند، این حقایق واقعیت زندگی روزمره ماست. ما رژیم اسلامی و ماهیتش را با هر ذره از پوست و گوشت خود میشناسیم.

اما مساله فقط بر سر این واقعیات نیست، مساله بر سر پیغام

دعوت رئیس مجلس نمایندگان آمریکا از بنیامین نتنیاهاو نخست وزیر دولت دست راستی اسرائیل بمنظور سخنرانی در اجلاس مشترک کنگره آمریکا به یکی از جنجالی ترین رویدادهای دو هفته اخیر تبدیل شد. جنجالها پیرامون شکافهای درونی هیات حاکمه آمریکا و جناحهای حاکم پیرامون این اقدام کم سابقه بود. کم سابقه از این قرار که تاکنون دعوت از یک مقام رسمی هیات حاکمه کشور دیگر برای سخنرانی در اجلاس مشترک کنگره آمریکا همواره با هماهنگی و توافق کاخ سفید و قوه مجریه صورت گرفته است. از قرار "پروتکل های دیپلماتیک" زیر پا گذاشته شده بودند. این گوشه ای از شکاف در هیات حاکمه آمریکا در قبال توافقات احتمالی میان رژیم اسلامی و کشورهای ۱+۵ است. بخش دیگر جنجال بر سر علنی شدن همه جانبه شکاف میان دولت باراک اوایما و دولت اسرائیل است. هر دو بی پرده به نقد سیاستهای یکدیگر پرداختند.

اما نفس این جدالها مشغله اصلی این یادداشت نیست. شکاف میان سیاستهای دولت اوایما و دولت اسرائیل پدیده جدیدی نیست. ابعاد و دامنه آن جدید است. نفس این شکاف نشان یک شکست و متعاقباً تغییر ریل در سیاست خارجی آمریکا است. شکست سیاست نشووناسرواتیوها در آمریکا، شکست سیاست قدر قدرتی و قلدری و میلیتاریسم. انتخاب اوایما در عین حال نشان از یک تغییر در این سیاست بود. نه به این معنا که سیاستهای میلیتاریستی و هژمونی طلبانه آمریکا با انتخاب اوایما به کناری زده شدند. نه! هرگز! مساله نه بر سر هدف استراتژیک آمریکا در جهان، در این دوره، بلکه بر سر راه رسیدن به این هدف بود. سیاستهای یک

دولت اسرائیل، حکومت اسلامی نمیتواند بسادگی سیاستهای کور و تروریستی خود را توجیه کند. برای خلاصی از شر تروریسم باید از شر هر دو نیرو خلاص شد. ما در مبارزه خود برای سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی هیچگونه همسویی با تروریسم دولتی و جدالش با تروریسم اسلامی نداریم. همسویی ما با نیروهای آزادیخواه و برابری طلب و امرانقلاب کارگری است. همسویی ما با مردم آزادیخواه و صلح طلب در اسرائیل است.

تلاشهای رژیم اسلامی برای دستیابی به سلاح اتمی کمتر کسی تردیدی دارد که رژیم اسلامی خواهان دستیابی به سلاح اتمی است. این رژیم یک رکن بقاء حکومت منحوس خود را در مجهز شدن به سلاح اتمی میداند. بر این باور است که خطر عمده ای که رژیم با آن مواجه است، از جنس کشمکش هایی است که رژیم صدام را به زیر کشید. راه نجات خود را نیز مانند کره شمالی دستیابی به سلاح اتمی میداند. گویی قرار حکومت خدا بر روی زمین را انفجار اتم ها نجات دهد. در این رابطه به چند مساله اساسی باید اشاره کرد.

۱- سلاح اتمی یک سلاح کشتار دسته جمعی است. بنا به تعریف سلاحی برای کشتار و نابودی "بدون تبعیض" توده های وسیع مردم است. موضع اصولی ما این است که جامعه بشری باید خود را از شر کلیه سلاحهای کشتار دسته جمعی خلاص کند. ما به آن اردویی از بشریت متمن تعلق داریم که خواهان نابودی کلیه سلاحهای کشتار جمعی است.

۲- هیچ کشوری نباید به سلاح کشتار دسته جمعی مجهز شود. وجود سلاحهای کشتار دسته جمعی و وجود زرادخانه عظیمی از این سلاحها در دست آمریکا، روسیه، چین، ... بهیچوجه مجوزی در اختیار هیچ حکومتی برای دستیابی به سلاح اتمی قرار نمیدهد. مبارزه برای خلع سلاح اتمی جهان در عین حال مبارزه ای برای جلوگیری از دستیابی هر کشوری به سلاحهای کشتار دسته جمعی است. حکومت اسلامی نباید به سلاح کشتار دسته جمعی

مجهز شود. ۳- کشورهایی که خود دارای زرادخانه ای از سلاح کشتار دسته جمعی اند نمیتوانند مدعی خلع سلاح سایر دول ارتجاعی برای دستیابی به سلاح اتمی باشند. این کلوپ انحصاری میلیتاریستی بخشی از قدرت خود را در محدود کردن دستیابی به این ابزار کشتار می داند. افشای این دو رویی و استاندارد دوگانه بخشی از مبارزه برای برچیدن کلیه سلاحهای دسه جمعی است. آنها که خود بیش از ۳۰۰ هزار تن از مردم بی دفاع را در یک چشم بهم زدن به خاکستر تبدیل کردند، نمیتوانند همزمان نیرویی برای خلع سلاح جهان امروز باشد.

۴- همانقدر که سلاح اتمی در دست حکومت اسلامی و خامنه ای مخاطرات زندگی را افزایش میدهد، به همان میزان هم وجود بیش از صدها کلاهک اتمی در دست نیروی نظامی اسرائیل یک مخاطره عظیم در کشمکشهای منطقه ای است. هدف دولت اسرائیل از مقابله با رژیم اسلامی در این عرصه هیچگونه تقارنی با سیاست اردوی آزادیخواهی در خلع سلاح اتمی دولتهای موجود ندارد. تلاشی برای حفظ هژمونی نظامی - سیاسی در منطقه است.

۵- تصور اینکه خلع سلاح اتمی رژیم اسلامی میتواند در یک پروسه دیپلماتیک- نظامی صورت پذیرد یک تصور خام بیش نیست. تنها پروسه واقعی بمنظور جلوگیری از رژیم اسلامی در دستیابی به سلاح اتمی همان پروسه سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی است. این مهمترین حلقه و تنها پروسه عملی جلوگیری از تجهیز اتمی حکومت اسلامی است. و این کار مردم آزادیخواه و ما است.

توافق احتمالی ۱+۵ موضع عمومی ما در قبال توافق احتمالی ۱+۵ و حکومت اسلامی روشن است. ما مخالف این توافق احتمالی نیستیم. ما برای سرنگونی انقلابی حکومت اسلامی و استقرار آزادی، برابری و یک حکومت کارگری تلاش میکنیم. هر گونه مخالف یا موافقتی مستلزم خارج شدن از این

به سربازی "اجباری" نباید رفت!

بهروز مهرآبادی



می فرستند.

در ایران هم کمتر کسی است که با عقل سالم داوطلبانه به سربازی رفته باشد. بی دلیل نیست که مردم آنرا "اجباری" می گویند. رفتن به سربازی برای پسران جوان يك كابوس است. دو سال تحقیر، دو سال تحمل توهین و تحقیر، دو سال بیگاری، دو سال محرومیت از تحصیل، کار، هنر، مصاحبت با جنس مخالف و بردگی کامل معنای دقیق دوران سربازی است. برای وادار ساختن جوانان به این وظیفه "ملی، شرعی و قانونی" حقوق مدنی آنها را گرو گرفته اند. از گرفتن گواهینامه، از ثبت سند، حق اشتغال، پروانه کسب، اخذ وام و بسیاری از حقوق اجتماعی دیگر ... محرومند. این محرومیت ها از ابتدای سال ۹۴ خیلی بیشتر می شود تا آنجا که اگر فرد یا موسسه ای يك مشمول غایب را استخدام کند، باید جریمه هنگفتی پرداخت نماید.

طول دوران سربازی در حاضر حاضر ۲۱ ماه است که بر اساس قانون جدید از ابتدای سال آینده به ۲۴ ماه افزایش مییابد. احمدی مقدم فرمانده نیروی انتظامی رژیم دلیل این افزایش مدت سربازی را "کاهش تعداد موالید" اعلام کرد. او در مصاحبه خود در مهرماه گذشته گفت: "کشور بزرگ می شود و نیازهای دفاعی آن نیز بیشتر می شود و همچنین با تهدید کشور این نیاز بیشتر احساس می شود". سخنان ابلهانه این سردار اسلام درباره "بزرگ شدن کشور" را نباید جدی گرفت و کمتر کسی است که نداند بزرگترین تهدیدی هم که متوجه ایران است، از طرف جمهوری اسلامی است. از اهداف سربازی اجباری کسب سود از نیروی میلیونها جوان است. دهها میلیون جوان باید در طول دو سال از بهترین سالهای زندگی خود، بردگانی بیشتر نباشند. سربازان مجبورند که

میشود، بیش از يك میلیون و سیصد هزار اعلام شده است. اگر ادعای موسی کمالی را درست بدانیم فقط درصد کمی از فراریان سربازی برای خرید کارت معافی مراجعه کرده اند. بدون تردید تهدیدهای مقامات رژیم به سختگیری های بیشتر در مورد این گروه بدون تاثیر نبوده است. احمدی مقدم فرمانده نیروهای انتظامی در مصاحبه ای در اواسط مهرماه اعلام کرد: "یکی از مشکلات مهم غیبت سربازان ما است که حدود ۱۰ تا ۱۲ درصد به سربازی نمی آیند قوانین ما هم خیلی سخت گیرانه نبود اما قرار است طبق قانون سخت گیری خود را با این گروه ها که منجر به تبعیض شده اند اعمال کنیم."

ولی يك شرط مهم معافی از سربازی داشتن امکانات مالی است. و فقط کسانی می توانند از این خدمت اجباری خلاص شوند که توانایی پرداخت هزینه آنرا داشته باشند. تعدادی از خانواده ها با قرض و یا حتی فروش اموال خود خود این پول را تهیه میکنند تا فرزندشان را از این عذاب نجات دهند. بخش اعظم فراریان از سربازی به دلیل فقر توانایی این کار را ندارند و عده ای هم حاضرند همه مشکلات نداشتن کارت معافی را تحمل کنند ولی این پول زور را به جمهوری اسلامی نپردازند.

در صحنه ای از رمان نویسنده چک "یارسلاو هاشک" که با عنوان "شوايك سرباز پاکدل" به فارسی ترجمه شده است، شوايك که تحت تاثیر تبلیغات میهن پرستانه قرار گرفته است داوطلبانه خود را برای خدمت "مقدس" سربازی معرفی می کند، آنهم در زمانی که همه سعی می کنند حتی به قیمت نقص عضو کردن خود بهانه ای برای معافیت پیدا کنند، کمیسیون پزشکی در سلامت عقل شوايك شك می کند و او را به تیمارستان

یکشنبه هفته گذشته مجلس اسلامی تصویب کرد که مشمولان خدمت وظیفه عمومی که بیش از ۸ سال غیبت دارند می توانند با پرداخت جریمه معافی از سربازی برای خود بخرند. قیمت خرید معافیت به نسبت میزان تحصیلات مشمولین بین ۱۰ تا ۵۰ میلیون تومان تعیین شده است.

طرح فروش معافیت سربازی را باید بیش از هر چیز بحساب عجز مالی و بحران عمیق اقتصادی رژیم گذاشت. این قانون شامل کسانی است که بیش از ۸ سال غیبت دارند. رژیم این اطمینان را دارد کسی را که بیش از ۸ سال از رفتن به سربازی خودداری کرده است، به آسانی نمی توان به "اجباری" برد و این امید را دارد که بتواند از این راه پولی بدست بیاورد. روزنامه اعتماد نوشت: "برای نخستین بار در تاریخ ایران، دولت در سالهای ۷۷ تا ۷۹ سربازی را به فروش گذاشت تا کسری بودجه خود را تأمین کند، حالا پس از ۱۴ سال بار دیگر دولت "تدبیر و امید" می خواهد بخشی از کسری بودجه خود را که به گفته کارشناسان نزدیک به ۴۵ هزار میلیارد تومان است با فروش سربازی یا آنچه این روزها به عنوان "جریمه" مطرح می شود، تدبیر و جبران کند." محمد مهدی مفتاح سخنگوی کمیسیون تلفیق درآمد سه هزار میلیارد تومانی از محل اخذ جریمه مشمولین غایب سربازی را خبر داده است. این کمیسیون پیش بینی کرده بود که ۱۰۰ هزار نفر سربازی شان را می خرند.

روز دوشنبه گذشته طرح موسی کمالی معاون امور منابع انسانی ستاد کل نیروهای مسلح اعلام کرد که ۱۸۰ هزار نفر برای خرید خدمت "مقدس" سربازی ثبت نام کرده اند. تعداد کل مشمولین غایب بیش از دو میلیون و پانصد هزار نفر و تعداد فراریان از سربازی که مشمول قانون جدید خرید کارت معافی

برسانند. آنها در پادگان کاملاً تحت کنترل فکری و مغزشویی هستند. دسترسی به اینترنت وجود ندارد، داشتن تلفن همراه و یا وسایل پخش موزیک در دوران سربازی ممنوع است. همراه داشتن گوشی دوربین دار يك جرم بزرگ و می تواند اتهام جاسوسی را بدنبال داشته باشد. در صورت گرفتن گوشی تلفن تمام فایلها و پیام ها را کنترل می کنند. زندگی خصوصی سربازان در ارتش کوچکترین احترام و ارزشی ندارد. شرکت در نماز جماعت و مراسم مذهبی مانند دعای ندبه و دعای کميل و مراسم عاشورا و امثال آن اجباری است. سربازان را وادار به خبرچینی و جاسوسی برای یکدیگر می کنند. همه اینها بخاطر شکستن اراده و روحیه سربازان و تبدیل آنها به ماشین های بی اراده برای اجرای دستورات فرماندهان و کل ارتش و برای پیشبرد سیاستهای حکومت و منافع طبقه حاکم است.

اثرات آشکار و پنهان دوران سربازی برای سالها و در مواردی برای همه عمر باقی میماند. بیماری های ناشی از شرایط سخت، تنبیهات و مجازات بدنی، غذای نامناسب، نبود بهداشت مناسب، تمرینات و عملیات سخت و نامناسب و فشارهای روانی دوران سربازی موجب انواع بیماری ها و صدمات جسمی میشود که در مواردی عوارض آن بعد از چند سال پدیدار میشود. هدر رفتن دوسال از بهترین دوران زندگی و شکنجه های جسمی و روانی بسیاری از جوانان بسیاری را دچار افسردگی و سایر ناراحتی های روانی کرده و در مواردی وادار به خودکشی و یا روی آوری به اعتیاد می کند.

سربازی اجباری يك معضل همیشگی اکثریت خانواده های ایرانی بوده است. مخالفت با سربازی اجباری هر روز گسترده تر میشود. در میان هزاران بحث و اظهار نظری که در میای اجتماعی مطرح شده است، بندرت می توان کسی را پیدا کرد که طرفدار خدمت سربازی باشد. بیشتر بحث ها بر سر غیر انسانی بودن شرایط سربازی و غیر ضروری بودن آن است. این سوال بکرات مطرح میشود که چرا باید

۲۴ ساعته آماده به کار باشند و هر کاری را که به آنها امر شد، انجام دهند. از سربازان برای کارهای نگهبانی، زندانبانی، منشی گری، رانندگی، نظافت، کارهای ساختمانی و حتی پیشخدمتی و بیگاری برای افسران ... استفاده میشود. در مواردی حتی سربازان را مجبور کرده اند تا مامور اجرای احکام اعدام باشند. استفاده رایگان به مدت دو سال از نیروی کار میلیونها جوان همواره يك منبع بزرگ درآمد برای دولتهای مختلف و طبقات حاکمه بوده است. بیگاری کشیدن از سربازان و شرایط غیر انسانی پادگان ها فقط مختص به دوران جمهوری اسلامی نیست. حقوق سربازان همواره بسیار ناچیز بوده است. حقوق يك سرباز لیسانسه فقط ۷۰ هزار تومان یعنی بیش از پنجاه برابر زیر خط فقر است که حتی تکافوی هزینه رفت و آمد و بازدید خانواده شان در دوران کوتاه مرخصی را نمی دهد.

در دوران سربازی بطور نقشه مند تلاش میکنند تا قدرت تفکر و تصمیم گیری در جوانان را از بین ببرند. حکم بر اطاعت کورکورانه است. با هیچ فرمان ظالمانه و هیچ قانون غیرانسانی نمیتوان مخالفت و یا حتی در مورد آن شك کرد. سرباز حق مخالفت با جنگ را ندارد، حق مخالفت با اعدام ندارد، حق اعتراض به زورگویی و توهین و تحقیر را ندارد. هر گونه مخالفت و اعتراض با تنبیه و زندان و توهین بیشتر پاسخ میگیرد. متشکل شدن و اعتراض جمعی يك جرم بزرگ است. مجازات ترمز از فرمان مافوق در دوران جنگ می تواند مجازات اعدام به دنبال داشته باشد. دادگاههای صحرایی کمترین حقی برای فرد نظامی متهم قائل نیستند و ابتدایی ترین حقوق متهم به بهانه جنگ براحتی زیر پا گذاشته میشود. کتک زدن سربازان توسط درجه داران و افسران کادر و توهین به آنها امری روزمره است و هیچ سربازی حق اعتراض ندارد. بندرت میشود سربازی را پیدا کرد که با "کلاغ پر" و "سینه خیز" شکنجه نشده باشد و یا با الفاظ رکیک به او توهین نشده باشد. تلاش میکنند رابطه سربازان را با جامعه قطع کنند و به حداقل

از صفحه ۸

به سربازی "اجباری" نباید رفت!

"خدمت سربازی" آنهم نوع اجباری آن وجود داشته باشد. چرا فرزندان ثروتمندان بتوانند با پرداخت پول از این خدمت "مقدس" معاف شوند و تحمل رنج و مشقت آن بدوش طبقات محروم جامعه باشد؟ چرا آخوندها که این همه سنگ اسلام را به سینه میزنند، خود از رفتن به سربازی معافند؟ چرا فرزندان آیت اله ها، سرداران سپاه و دست اندرکاران نظام را نمیشود در پادگانها دید؟ چرا بیشتر آنها در کشورهای غربی زندگی می کنند و یا اگر احیانا برای خالی نبودن عریضه به سربازی رفته اند، از امکانات رفاهی ویژه برخوردار هستند؟ جوانان از تجربیات تلخ و ناگوار خود در دوران سربازی می گویند و حسرت دو سال زندگی از دست رفته خودشان را می خورند. جوانان حق دارند به سربازی نروند، حق دارند از پادگانها فرار

کنند و خانواده ها حق دارند که از فرزندان خود حمایت کنند. مردم از نفس وجود ارتش و سیستم غیر انسانی آن بیزارند. ارتش وظیفه ای جز بهره کشی از جوانان و استفاده از آنان برای دستگاه سرکوب و ارباب رژیم ندارد. ارتش و نیروهای مسلح حرفه ای باید منحل شوند و جوانان تا آنجا که می توانند باید از رفتن به سربازی خودداری کنند. اما تا زمانی که ارتش وجود دارد باید کلیه افراد اعم از کادر و وظیفه از حقوق برابر برخوردار باشند. هر گونه توهین، تحقیر و تنبیه ممنوع شود، حقوق سربازان وظیفه کمتر از حداقل حقوق سایر حقوق بگیران نباشد و تامین کننده یک زندگی انسانی برای آنها باشد. در طول هفته زمانی که سربازان وظیفه تحت آموزش و یا انجام امور مربوط به ارتش هستند، بیش از حد اکثر ساعات کار کارگران و سایر نباشد. هر گونه تمرین نظامی و عملیات بدنی که موجب صدمات جسمی به سربازان شود، ممنوع شود. سربازان در طول اقامت در پادگان از غذای مناسب و

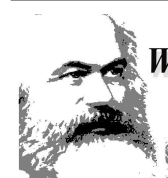
امکانات رفاهی، بهداشتی مناسب و همچنین امکانات ورزشی و تفریحی و هنری، برخوردار باشند. فروش معافی به جوانان چیزی جز باجگیری و سرگردنه بگیري از طرف جمهوری اسلامی نیست. رژیم زندگی جوانان را به گرو گرفته و می خواهد آنرا به صاحبان آن بفروشد. تا آنجا که امکان دارد باید از خرید معافی و پرداخت پول به جمهوری اسلامی و همچنین رفتن به سربازی خودداری کرد. باید اعتراضات به روابط و شرایط غیر انسانی را گسترده تر کرد و خواهان برچیده شدن بساط سربازی اجباری شد. هر چقدر تعداد فراریان از سربازی بیشتر باشد، رژیم در اعمال محدودیت و فشار به آنها ضعیفتر میشود.

سرنوشتی جمهوری اسلامی می تواند مقدمه ای برای برچیدن بساط ارتش و سپاه و سایر نیروهای مسلح حرفه ای رسمی و غیر رسمی و پایان دادن به شرایط و روابط ظالمانه و غیر انسانی حاکم بر آنها باشد. *

از صفحه ۷

در حاشیه سخنرانی نتنیاهاو در کنگره آمریکا

چهارچوب سیاسی در برخورد با حکومت اسلامی است. ما در همان حال که سرسختانه برای سرنوشتی رژیم اسلامی مبارزه میکنیم در همان حال نیز برای لغو تحریمهای اقتصادی مبارزه میکنیم. ما بارها اعلام کرده ایم که تحریمهای اقتصادی مستقل از تاثیر آن بر موقعیت حکومت اسلامی از آنجائیکه بر مشقات زندگی مردم می افزایند یک سیاست ضد انسانی اند و باید



**WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiiran.org

مشخصات و ساعات پخش

تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰ پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰ FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل دریافت است.

برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shom

<http://www.glwiz.com/>

زیر مجموعه برنامه های فارسی

این مشخصات را به دوستان و آشنایان اطلاع دهید.

تلفن تماس: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

ایمیل: nctv.tamas@gmail.com

از برنامه حزب کمونیست کارگری ایران

انحلال ارتش

ارتش و نیروهای مسلح حرفه ای در جامعه موجود جز دار و دسته های مسلح و اجیر طبقه حاکم نیستند که به هزینه کارگران و مردم زحمتکش برای تحت انقیاد نگاهداشتن خود آنها و نیز پاسداری از منافع اقتصادی و بازار داخلی بورژوازی هر کشور در مقابل دیگری سازماندهی شده اند. علیرغم اینکه طبقه حاکم میکوشد تحت عناوین مختلف ماهیت طبقاتی و مصرف واقعی ارتش خویش را پویشاند و آن را ارگانی عمومی و عام المنفعه قلمداد نماید، رابطه تنگاتنگ ارتش ها با طبقات حاکمه و نقش آنها در حراست از منافع اربابان جامعه برای توده وسیع مردم، نه فقط در کشورهای آسیایی و آفریقایی و آمریکای لاتینی که نقش سرکوبگر ارتش و پلیس در آنها برجسته تر و علنی تر بوده است، بلکه در اروپا و آمریکای شمالی هم که اسطوره ارتش غیر سیاسی رواج بیشتری داشته است، کاملاً قابل مشاهده است.

حزب کمونیست کارگری علاوه معتقد است که اصول زیر باید در هر حال و تحت هر شرایطی مادام که نیروهای مسلح وجود دارند به اجرا در آیند:

لغو اطاعت بی چون و چرای پائین از بالا در نیروهای مسلح. هر فرد نظامی حق دارد از اجرای دستوراتی که به نظر او با قوانین کشور در تناقض باشد و یا با اصول انسانی و وجدانی وی

مغایرت داشته باشد امتناع نماید.

هر کس حق دارد از شرکت در جنگ و یا هر فعالیت نظامی که با اصول و اعتقادات وی مغایرت داشته باشد امتناع نماید.

نیروهای انتظامی باید در حین ماموریت و انجام وظیفه انیفورم نظامی خود را بتن داشته باشند و اسلحه خود را به نحوی حمل کنند که دیده شود. تشکیل نیروی مسلح فاقد اونیفورم و یا انجام ماموریت بعنوان پلیس مسلح در لباس سیویل ممنوع است. این حق هر شهروند است که بتواند از حضور نیروهای انتظامی مسلح در محیط پیرامونی خود (محل کار، زیست، تردد و غیره)، مطلع شود.

افراد عضو نیروهای نظامی حق دارند در فعالیت های سیاسی شرکت کنند و در احزاب سیاسی عضو شوند. فعالیت احزاب سیاسی، اتحادیه ها و سایر تشکله ها در درون نیروهای نظامی آزاد است. *

امروز ۱۰ اسفند جعفر عظیم زاده از رهبران کارگری شناخته شده مورد محاکمه قرار گرفت



اتهامات و در رد آنها، مامورین امنیتی را به ارائه گزارشات کذب و گنجاندن آنها در پرونده اش متهم کرد و با دفاع از قانونی بودن اتحادیه آزاد کارگران ایران به تشریح فعالیتهای خود جهت افزایش حداقل مزد از طریق طومار چهل هزار نفری کارگران و شکایت از غارت صندوق سازمان تامین اجتماعی پرداخت و با غیر قانونی و مجرمانه خواندن عملکرد شورای عالی کار در تعیین حداقل مزد کارگران، اعتراض به شرایط فلاکت بار موجود را حق مسلم کارگران عنوان کرد و در ادامه بر تداوم فعالیتهای تاکنونی خود تاکید نمود.

در این دادگاه قاضی صلواتی طی گفتگویی شفاهی جمع آوری امضا برای افزایش حداقل مزد و تجمع در محل وزارت کار را مجرمانه تلقی کرد و جعفر عظیم زاده در پاسخ اعلام داشت: اگر ما

امروز ده اسفند بنا بر احضاریه ای قبلی جعفر عظیم زاده از رهبران شناخته شده کارگری و رئیس هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی مورد محاکمه قرار گرفت. به گزارش سایت اتحادیه آزاد دادگاهی او دو ساعت به طول انجامید. در این دادگاه اتهامات وارده به جعفر عظیم زاده "اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم بر ضد امنیت ملی، اخلاص در نظم و آسایش عمومی، بر هم زدن امنیت کشور و تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی با مصادیق شرکت در تجمعات غیر قانونی و ارتباط با رسانه های بیگانه و انعکاس لحظه به لحظه اخبار این تجمعات در فضای مجازی" اعلام شد.

جعفر عظیم زاده در پاسخ به این

حق مسلم خود و دیگر کارگران تاکید کرد.

جعفر عظیم زاده از بنیان گذاران کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری، اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار، اتحادیه آزاد کارگران ایران، از هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی چهل هزار نفری کارگران برای افزایش واقعی حداقل مزد و جزو شش نماینده ۱۰۰۰

کارگری است که با وکالت دکتر خلیل بهرامیان شکایتی را علیه غارت و چپاول صندوق سازمان تامین اجتماعی در شعبه ۱۵ دادرسی کارکنان دولت مطرح کرده اند. اکنون او به جرم این فعالیت ها و دفاع از حقوق کارگر دادگاهی و مورد بازجویی قرار گرفته است.

احضار و بازجویی جعفر عظیم زاده این فعال کارگری و رهبر محبوب کارگری را وسیعاً محکوم

کارگران برای دستیابی به حقوق خود دست به اعتراض نزنیم و شرایط معیشتی مان بهبود پیدا نکند، آنوقت اگر من کارگر فردا به دلیل فقر و فلاکت دست به قتل و دزدی بزنم شما مرا تبرئه خواهید کرد؟! در پایان این محاکمه، قاضی صلواتی بر عدم تداوم فعالیتهای جعفر عظیم زاده تاکید نمود و این فعال کارگری نیز متقابلاً با قانونی خواندن فعالیتهایش، بر تداوم آن به عنوان

سحرگاه خونین چهارشنبه ۶ زندانی عقیدتی

در رجایی شهر اعدام شدند!

پاسخ دو چشم نگران مهنا دخترک خردسال حامد احمدی را چه کسی باید بدهد؟

و امروز سوال اینست آیا دنیا صدای قلب کوچک دختر حامد، صدای قلب مهنا را می شنود که تا صبح در مقابل در زندان بود و جلادان اسلامی حتی به او و صد نفری که آنها را همراهی میکردند، حمله بردند؟

دنیا به دو قسمت تقسیم شده، حاکمین و صاحبان قدرت و دولتها و نهادهای بین المللی که همه به دنبال منافع اقتصادی و سیاسی خود هستند و همه برای بزرگ کردن این حکومت و برداشتن زیر ابروی یک حکومت جنایت پیشه و وقیح مسابقه گذاشته اند. و دنیا مردمی دارد که در ابعاد میلیونی دلشان از این جنایت به درد می آید و خود را د رکنار مهنا و خانواده های محکومین به اعدام می داند. در این دنیای بیرون زندان البته

ننگ بر مدافعين رنگارنگ روحانی و جلادان اسلامی! حامد احمدی، جهانگیر دهقانی، جمشید دهقانی، کمال ملائی، صدیق محمدی و هادی حسینی امروز چهارشنبه ۴ ماه مارس در ایران اعدام شدند. آنها را سالیهای سال به گروگان گرفته بودند و بارها برای اجرای حکم به سلول انفرادی برده بودند، حامد احمدی در يك نامه که اخیراً منتشر شد نوشته بود تا كنون ۴۵ بار اعدام شده ام. چهل و پنج روز در انفرادی بوده و هر روز جلادان چنین وانمود کردند که او را خواهند کشت و او همان جا نوشته "آیا میتوانید تصور کنید در سلول انفرادی بودن و لحظه ها را شمردن چقدر سخت است" و پرسیده بود آیا دنیا صدای ما را و صدای مرا می شنود؟

قرار بود امروز حکومت آدمخواران اسلامی، البته ۲۱ نفر را در سراسر ایران اعدام کنند. هنوز خبری از دیگر زندانها نرسیده، در رجایی شهر علیرغم تجمع حدود صد نفر و علیرغم حضور دخترک خردسال حامد احمدی در مقابل زندان، علیرغم حضور دو چشم کوچک نگران در میان بزرگان حاضر در آنجا، رژیم اسلامی شش نفر را کشت و در تاریکی مشمشر کننده نیمه شب چهارشنبه به همه مردم حاضر در آنجا و به مادران و پدران و همسران اعدامیها گفت: بروید خانه عزیزان شما را کشتیم! مامورین روحانی و خامنه ای، جلادان از داعش بدتر چشم در چشم دخترک کوچکی دوختند که تا صبح در آنجا لرزید و در نهایت شنید که پدرش را حلق آویز کردند. ننگ بر داعش،

کنیم.

گفتنی است که روز ۹ اسفند نیز جمیل محمدی یکی دیگر از چهره های شناخته کارگری و عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران که هم پرونده جعفر عظیم زاده در اعتراضات کارگری بر سرخواست افزایش دستمزدها و شکایت علیه دزدی های تامین اجتماعی است، از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به سه سال و نیز زندان محکوم شد. پرونده قضایی این کارگران و حکم زندان جمیل محمدی باید فوراً لغو شود.

محاکمه این کارگران تلاشی برای عقب راندن مبارزات کارگران بر سر خواست افزایش دستمزدها و جلوگیری از سازمانیابی اعتراضات کارگری است. جعفر عظیم زاده و جمیل محمدی را تحت وسیعترین حمایت و پشتیبانی خود قرار دهیم.

کمیپین برای آزادی کارگران زندانی

۱۰ اسفند ۱۳۹۳،

۱ مارس ۲۰۱۵

Shahla.
Daneshfar2@gmail.com
http://free-them-
now.com

اصلاح طلبش در يك چیز متفق القولند، باید بکشند تا بمانند. تنها يك روز حذف طناب دار از رابطه اینها با مردم به همه اینها نشان خواهد داد که با چه دریایی از خشم و نفرت عمومی مردم در ایران مواجه هستند، تنها يك روز حذف خشونت در ایران، باعث سرنگونی فوری این کشتی در هم ریخته به دست مردم خواهد شد اینرا هر دو جناح رژیم میدانند.

امروز ۶ زندانی عقیدتی، ۶ انسان را کشتند و یکبار دیگر به دنیا نشان دادند که اینها با جنایت زنده هستند و هر نوع مماشات با اینها از سوی هر حکومت و هر جریانی یعنی کمک به دوام و بقای طناب های دار.

کمیته بین المللی علیه اعدام، جنایت بیشرمانه حکومت اسلامی و قتل ۶ زندانی عقیدتی را بشدت محکوم میکند و از همه مردم دعوت میکند که علیه حکومت اسلامی و برای سرنگون کردن این حکومت عزم جزم کنند!

دبیرخانه کمیته بین المللی

علیه اعدام

۳ مارس ۲۰۱۵

دهها هزار نفر در تجمعات امروز معلمان شرکت کردند

هم از فقر بیزاریم، هم از فرق!



امروز ۱۰ اسفندماه شاهد تجمعات دهها هزار نفره معلمان در بسیاری از شهرهای بزرگ و کوچک کشور بودیم. این تجمعات در تهران، اصفهان، شیراز، یزد، سنندج، کرمانشاه، اهواز، مشهد، بندرعباس، بوشهر، قزوین، زنجان، خرم آباد، مریوان، جوانرود، کامیاران، پناه، میانکوه، فسا، زاهدان، ابهر، ارومیه و بسیاری شهرهای دیگر برپا شد. در تهران، اصفهان و شیراز جمعا حدود ۱۵ هزار نفر و در سراسر کشور دهها هزار نفر در تجمعات امروز شرکت داشتند.

معلمان خواهان افزایش حقوقی بالاتر از سطح فقر، حل مسائل مربوط به بیمه و کمک هزینه مسکن، رفع تبعیضات، آزادی تشکل، آزادی معلمان زندانی، پایان دادن به تهدید و تعقیب و دستگیری، استخدام معلمان پیمانی و در یک کلام خواهان یک زندگی انسانی هستند و در پلاکاردهای مختلفی که در شهرهای مختلف در دست داشتند اعتراض خود به کل وضعیت حاکم را بیان کردند. در این اجتماعات برخی معلمان معترض نیز سخنرانی کردند که با استقبال گرم حاضرین مواجه شدند، قطعنامه هایی قرائت کردند و در برخی شهرها شعار دادند. از جمله شعار جالبی در شیراز سر داده شد: معلم فریاد میکند، رسانه سانسور میکند

و در تهران خطاب به مقامات شعار میدادند: اگر که نبودیم، تو پشت میز نبود. تلاش برای به سکوت کشاندن تجمعات امروز عملا توسط هزاران معلم معترض خنثی شد و معلمان به اشکال مختلف با صداها پلاکارد و سخنرانی و قرائت قطعنامه و با شعار دادن در برخی تجمعات خواست های خود را بیان کردند. تجمعات امروز بیان اعتراض قدرتمند معلمان بود که مورد پشتیبانی فعال سایر مردم قرار گرفت.

در تجمعات امروز پرستاران، کارگران، دانشجویان، بازنشستگان، همسران برخی معلمان و بعضا محصلین مدارس حضور داشتند و فضایی از اتحاد و همبستگی در میان مزدبگیران کشور ایجاد شده بود. مردمی که شاهد این تجمعات بودند به اشکال مختلف از معلمان حمایت میکردند. طبق گزارشی از اصفهان رانندگان ماشین ها بوق میزدند و مردم با مشت های گره کرده اتحاد خود را با معلمان بیان میکردند. مردم اصفهان از ابعاد بزرگ تجمع امروز در این شهر و در سطح کشور ابراز خوشحالی میکردند. همزمان بازنشستگان ذوب آهن نیز در خیابان نشاط این شهر تجمع بزرگی در اعتراض به حقوق معوقه خود برپا داشتند. حضور زنان معلم در تجمعات امروز معلمان بسیار چشمگیر بود. بدلیل

معلمان در شهرهای کردستان دست به تجمع اعتراضی زدند

تبعیض آمیز علیه زنان معلم مانند عائله مندی و بهبود شرایط کاری خود و فضای شاد و انسانی در مدارس شدند. تجمع کنندگان همچنین به میزان بودجه در نظر گرفته شده برای آموزش و پرورش در سال ۹۴ معترض هستند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری به تمامی معلمان شرکت کننده در این اجتماعات درود میفرستد و از خواست های بحق آنان حمایت میکند. همبستگی و اتحاد معلمان در سراسر کشور ضامن موفقیت و پیشروی برای دستیابی به مطالبات بحق معلمان می باشد.

کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۰ اسفند ۹۳

۱ مارس ۲۰۱۵

معلمان شهرهای سنندج، مریوان، کامیاران، سردهشت، جوانرود و پناه همراه با معلمان دیگر شهرهای ایران، صبح روز یکشنبه ۱۰ اسفندماه دست به تجمعات اعتراضی گسترده زدند. معلمان در تجمعات اعتراضی خود علاوه بر خواست افزایش دستمزد، خواهان آزادی هر چه سریعتر معلمان زندانی و لغو کلیه احکام قضایی علیه فعالین صنفی معلمان شدند. معلمان مریوان نیز در تجمع اعتراضی خود خواهان آزادی تشکل، ایجاد تسهیلات لازم برای تامین مسکن، استخدام معلمان حق التدریسی، تصویب و اجرای طرح رتبه بندی معلمان با نظارت نمایندگان معلمان، ارائه بیمه درمانی و تکمیلی، اجرای قانون بازنشستگی پیش از موعد و پرداخت سریع و کامل پاداش بازنشستگی، رفع کلیه قوانین

معلمان در سطح کشور به موازات گسترش اعتراض پرستاران، کارگران مراکز مختلف، بازنشستگان، زنان و جوانان و مردم خوزستان و غیره نشانه برآمد مبارزات توده ای علیه اوضاع فلاکتباری است که حکومت مفتخور و اسلامی سرمایه داران به مردم تحمیل کرده است.

حزب کمونیست کارگری

ایران

۱۰ اسفند ۱۳۹۳،

۱ مارس ۲۰۱۵

«هم از فقر بیزاریم هم از فرق!» جایی برای این نوع شعارها نگذاشتند. حضور گسترده معلمان معترض و رادیکال این تشبثات را خنثی کرد و فضای رزمنده و رادیکالی بر این اجتماعات حاکم بود. بویژه حضور جمع هایی از کارگران و پرستاران و دانشجویان در این اجتماعات روحیه بالائری به شرکت کنندگان در این اجتماعات داده بود بطوریکه در پایان تظاهرات تهران معلمان اعلام کردند که هفته دیگر نیز دست به تجمع میزنند. اعتراضات مکرر و قدرتمند



ژورنال همه روزه بجز جمعه ها

منتشر می شود

سایت ژورنال: journal-ruzaneh.com

ایمیل ژورنال: journal.ruzaneh@gmail.com

زنده باد همسران کارگران کنتورسازی ایران نمونه ای قابل توجه برای کل طبقه کارگر

اصغر کریمی

کارگری است.

کارگران نه تنها لازم است در تجمعات اعتراضی کارگران اعتصابی که در شهر هفت تپه انجام میشود شرکت کنند بلکه همچنین میتوانند و حق دارند و مهم است که در مجمع عمومی کارگران در درون کارخانه نیز حضور داشته باشند و در تصمیم گیری ها شرکت کنند. چرا که هر اعتراض کارگران و هر تصمیمی درمورد آنها اعم از دستمزد و بیمه و ایمنی محیط کار و امنیت شغلی کارگران مستقیماً به آنها هم مربوط میشود. دوستی سوال کرده بود که چگونه اعضای خانواده ها میتوانند در کارخانه حضور پیدا کنند. پاسخ من این بود که این حق را باید با اعتراض به کرسی نشاند. مهم این است که کارگران و همسرانشان بر اهمیت این مساله واقف باشند. اگر کارگران تصمیم بگیرند میتوانند. مهم آگاهی کارگران، اعم از کارگران کارخانه و همسران و اعضای خانواده هایشان، و اراده و تصمیم آنها است. تحصن خانواده های کارگران بازداشتی معدن سنگ آهن بافق در تابستان امسال جلوه باشکوه و قدرتمندی از حضور خانواده های کارگران در مبارزات کارگری بود که بخش زیادی از جمعیت شهر بافق را به همبستگی با کارگران اعتصابی معدن کشاند و مقامات و سیستم قضایی را وادار به آزادی کارگران کرد و دقیقاً به خاطر همین پتانسیل مبارزاتی است که قوه قضائیه همچنان از دادگاهی کردن کارگرانی که برایشان پرونده سازی کرده است، هراس دارد. و اکنون اقدام همسران کارگران اعتصابی کنتورسازی قزوین اقدام باشکوه دیگری در تاریخ جنبش

شرکت همسران کارگران کارخانه کنتورسازی ایران در شهرستان البرز استان قزوین در روز ۱۳ اسفند، يك اتفاق بسیار جالب و امیدبخش است. این اقدام را باید ستود، تبلیغ و تشویق کرد و آنرا بعنوان الگویی مهم و حیاتی در جنبش کارگری مقابل کارگران در سراسر کشور گذاشت.

طبق خبری که ایلنا منتشر شده است، حدود ۶۰۰ نفر از کارگران کارخانه کنتور سازی ایران در شهرستان البرز استان قزوین در اعتراض به پرداخت نشدن ۵ ماه از مطالبات معوقه خود از انجام کار خودداری کرده و در سالن غذا خوری تجمع کردند. عدم پرداخت حقوق کارگران در حالی صورت میگیرد که این کارخانه در سال جاری افزایش تولید داشته و کارفرما با استثمار کارگران سودسرسیاری به جیب زده است اما بجای حقوق کامل، مبالغ بسیار کمی به بهانه کمبود منابع مالی به کارگران پرداخته است. طبق این خبر تجمع اعتراضی کارگران که از ۱۲ اسفند شروع شده بود، در روز ۱۳ اسفند هم ادامه یافت و اینبار همسران کارگران اعتصابی در تجمع کارگران شرکت کردند. کارفرما مجبور شد همان روز ۱۳ اسفند دو ماه حقوق معوقه را به حساب کارگران واریز کند اما کارگران همچنان به اعتصاب و تجمع ادامه دادند و خواهان دریافت کل حقوق معوقه و رفع مشکلات بیمه ای خود شدند.

چند سال قبل خطاب به کارگران نیشکر هفت تپه تاکید کردم که همسران و اعضای خانواده های

رهبران کارگران اعتصابی، اعم از کارگران مراکز تولیدی، معلمان و پرستاران، باید مبارزه خود را از چهار دیواری کارخانه یا مدرسه و بیمارستان به بیرون بکشانند. منظور صرفاً جغرافیای بیرون محل کار نیست. منظور این است که از محدوده «صنف» خود بیرون بکشند، دیگران را مطلع کنند، دخالت دیگران را بخواهند، فعالان خبرسانی کنند، نگذارند امثال شوراها اسلامی و نهادهای زرد و سازشکار دیگر در چهارچوب محدود و صنفی تعدادی اعتصابی مجزا از بقیه جامعه آنرا خفه کنند. و اولین و نزدیک ترین نیرو برای دخیل شدن در این مبارزه همسران کارگران و سایر اعضای خانواده های آنها هستند. این شرط مهمی برای تقویت اعتراض، رسانه ای شدن آن، جلب همبستگی بقیه مردم، و ایجاد يك سد دفاعی محکم برای جلوگیری از سرکوب و دستگیری رهبران کارگران است. همسران کارگران پل ارتباطی مهمی میان کارگران و جامعه اند. این باید به ملکه ذهن هر فعال و رهبر کارگری تبدیل شود. موانعی از جمله ذهنیت عقب مانده برخی کارگران، یا معضلات خانوادگی و بویژه تلاش سیستماتیک دشمنان طبقه کارگر برای جلوگیری از قدرتمند شدن این مبارزات را باید خنثی کرد. این کار عملی است، بویژه در شرایط کنونی از زمینه های بسیار مساعدی برخوردار است و برای پیشروی طبقه کارگر از هر اقدامی حیاتی تر است. *

کارگران چندین مجتمع پتروشیمی بندر امام دست به اعتصاب و تجمع زدند

کارگران میگویند اگر قوانینی درمورد مطالبات ما وجود ندارد این قوانین را فوراً وضع کنید!

است که در روز پنجم اسفند یکی از کارگران بنام بهمن حاتمی ۴۰ ساله دارای دو فرزند در اعتراض به این وضعیت فلاکتبار دست به خودکشی زد و به زندگی اش پایان داد و این شعله خشم کارگران را برافروخته تر کرد.

حزب کمونیست کارگری قاطعانه از خواست های بحق کارگران در مقابل اقلیت مفتخور حاکم حمایت میکند و از مردم ماهشهر و بویژه اعضای خانواده های کارگران میخواهد فعالانه از کارگران حمایت کنند. اعضای خانواده های کارگران میتوانند نقش مهمی در تقویت مبارزات کارگران اعتصابی ایفا کنند. اقدام جسورانه و برجسته همسران کارگران معدن سنگ آهن بافق الگوی مهمی در مقابل کارگران در سراسر کشور گذاشته است و در شرایطی که معلمان، پرستاران، بازنشستگان و کارگران مراکز بزرگی مانند ایران خودرو، مبارزه برای افزایش دستمزد را شدت داده اند، مبارزه جمعی کارگران پتروشیمی ها و خانواده های آنها میتواند يك گام دیگر مبارزه طبقه کارگر در سطح کشور را تقویت کند و راه را برای عقب راندن شورايعالی کار سرمایه داران و افزایش دستمزد مطابق نظر کارگران هموار کند.

حزب کمونیست کارگری

ایران
۱۱ اسفند ۱۳۹۳،
۲ مارس ۲۰۱۵

اعتصاب کارگران پتروشیمی های فراورش، بسپاران، کیمیا، خوارزمی و آب نیرو که از دیروز شروع شده است امروز ۱۱ اسفند نیز ادامه دارد. طبق گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران این شرکت ها روز گذشته بطور جداگانه در محل کارشان دست به تجمع زده بودند اما امروز در اقدامی هماهنگ و متحدانه در مقابل دفتر مرکزی مجتمع پتروشیمی ماهشهر تجمع کردند.

قرار بود مطالبات کارگران این پتروشیمی ها از جمله حق جذب، بدی آب و هوا، حق کثیفی کار، حق کار در ارتفاع و سایر مزایای مرتبط با شغلشان همراه با عیدی امسال همزمان با دستمزدهای اسفندماه به حساب کارگران واریز شود اما دیروز فقط دستمزد همیشگی کارگران به حسابشان واریز شد و کارگران بلافاصله دست به عکس العمل زدند. طبق این گزارش نمایندگان کارگران اعتصابی در حال مذاکره با مسئولین مجتمع پتروشیمی هستند. کارفرما گفته است قوانینی در رابطه با مطالبات کارگران وجود ندارد و کارگران میگویند قوانین و همه چیز دست خود شما است، اگر چنین قوانینی وجود ندارد پس این قوانین را سریعاً وضع کنید!

وضعیت مشقت بار کارگران چنان آنها را تحت فشار گذاشته

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سرمدیر: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

رهایی زن
رهایی جامعه